

Protection of Children and Adolescents: Legal and Moral Duty of the Judiciary

P. Khaljian¹, M.M. Anjomshoa Ph.D.^{2*}, M. Amrollahi Bioki Ph.D.²

1. Ph.D. Student in Criminology and Criminology, Dept. of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Background: In order to protect children and adolescents, after years of fragmented legislation, in 2002, the law on the protection of children and adolescents was approved in the form of 9 articles. Despite the focus of this law on the protection of children and adolescents, it had several shortcomings and did not meet the existing needs. Finally, in 2019, the Guardian Council approved the new bill for the protection of children and adolescents with 51 articles and 15 notes. Compared to the previous law, this law has made significant progress in terms of the number of materials and substantive and formal innovations. This article aims to investigate the legal and ethical duties of the judiciary in protecting children and adolescents by means of descriptive analysis.

Conclusion: The results show that the new Criminal Procedure Code has several innovations, including the establishment of special prosecutors and courts for children and adolescents, a special police organization for children and adolescents, a social work institution, etc., many of which are unprecedented in Iranian law and are considered a new development in the case of children and adolescents. Also, in the new law, the judiciary, considering its moral and legal duty to protect children and adolescents as stipulated in the Constitution, tries to provide criminal protection for children and adolescents, prevent their delinquency, and restore their rights by cooperating with and demanding from other relevant institutions. Effective implementation of these duties can help establish social justice for this vulnerable group.

Keywords: Legal duty, Moral duty, Criminal policy, Judiciary, Children and adolescents.

***Corresponding Author:** Anjomshoa MM. Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mm.anjomshoah@gmail.com

How to cite: Khalijian P, Anjomshoa MM, Amrollahi Bioki M. Protection of children and adolescents: legal and moral duty of the judiciary. *Ethics in Science and Technology*. 2025; 20(1): 48-56.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

حمایت از اطفال و نوجوانان: وظیفه قانونی و اخلاقی قوه قضاییه

پری خلیجیان^۱، دکتر محمد مهدی انجم شعاع^{۲*}، دکتر مژگان امراللهی یوکی^۳
۱. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰)

چکیده

زمینه: در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان، پس از سال‌ها قانون‌گذاری پراکنده، در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در قالب ۹ ماده به تصویب رسید. با وجود تمرکز این قانون بر حمایت از اطفال و نوجوانان، نواقص متعددی داشت و پاسخگوی نیازهای موجود نبود. سرانجام در سال ۱۳۹۹، شورای نگهبان لایحه جدید حمایت از اطفال و نوجوانان را با ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره تایید کرد. این قانون در مقایسه با قانون قبلی، از نظر تعداد مواد و نوآوری‌های ماهوی و شکلی، پیشرفت قابل توجهی داشته است. این مقاله باهدف بررسی وظایف قانونی و اخلاقی قوه قضاییه در حمایت از اطفال و نوجوانان به روش تحلیل توصیفی انجام شده است.

نتیجه گیری: نتایج نشان می‌دهد که قانون جدید آیین دادرسی کیفری نوآوری‌های متعددی از جمله ایجاد دادسرا و دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان، سازمان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، نهاد مددکاری اجتماعی و... دارد که بسیاری از آنها در حقوق ایران سابقه نداشته و تحولی نوین در امر دادرسی اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود. همچنین، قوه قضاییه در قانون جدید با توجه به وظیفه اخلاقی و قانونی خود در حمایت از اطفال و نوجوانان که در قانون اساسی تصریح شده است، سعی در حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان، پیشگیری از بزهکاری آنها و احیای حقوق ایشان با همکاری و مطالبه گری از سایر نهادهای مربوطه دارد. اجرای مؤثر این وظایف می‌تواند به برقراری عدالت اجتماعی در مورد این قشر آسیب‌پذیر کمک کند.

کلید واژگان: وظیفه قانونی، وظیفه اخلاقی، سیاست جنایی، قوه قضاییه، اطفال و نوجوانان.

سرآغاز

در نظام حقوقی^۱ ایران، برخلاف بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، تعریفی جامع از کودک ارائه نشده است و قانون‌گذار صرفاً به تعیین سن مسئولیت کیفری^۲ پرداخته است. این در حالی است که پیمان‌نامه حقوق کودک، به‌عنوان یک سند بین‌المللی که در سال ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و ایران نیز در سال ۱۳۷۲ آن را تصویب کرد، تعریفی روشن از کودک ارائه می‌دهد (۱). ماده ۱ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: "منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر اینکه طبق قانون قابل‌اعمال در مورد یک کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد." این تعریف، شرط سنی ۱۸ سال را برای کودک در نظر می‌گیرد، مگر اینکه در قانون داخلی کشورها سن کمتری تعیین شده باشد. همچنین، دوران جنینی را شامل نمی‌شود. بر اساس همین اختلاف نظر، ایالات متحده آمریکا تاکنون با وجود امضای این کنوانسیون، از تصویب آن امتناع کرده است.

زیرا از نظر این کشور، جنین اگر به‌عنوان کودکی که مورد حفاظت کنوانسیون حقوق کودک^۳ قرار دارد، باید در تعریف کنوانسیون کودک گنجانده می‌شد. در نظام حقوقی ایران، رویه متفاوتی در خصوص تعیین حد سنی کودکان وجود دارد. قوانین گوناگون معیارهای سنی متفاوتی را برای سن بلوغ، سن ازدواج، سن مسئولیت کیفری و... مقرر کرده‌اند. مهم‌ترین حکم قانونی ایران در خصوص سن کودکی، تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی با اصلاحیه سال ۱۳۶۱ است (۱) که سن بلوغ را برای پسر ۱۵ سال قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری تعیین می‌کند. این سن مبنای ازدواج و خروج از دوره کودکی در نظر گرفته می‌شود. با وجود این، تبصره ۲ همین ماده بیان می‌کند که رشد اقتصادی اطفال بعد از بلوغ تا سن ۱۸ سالگی نیاز به اثبات در دادگاه دارد (۱). این تناقض نشان می‌دهد که بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی (رشد) دو مقوله جداگانه هستند و آثار دوره کودکی در امور اقتصادی تا پایان ۱۸ سال ادامه دارد.

دوران نوجوانی از سن ۱۲ تا ۱۸ سالگی را شامل می‌شود و مرحله گذر از کودکی به بزرگسالی محسوب می‌شود (۲). تعیین سن کودکی در حوزه حقوق خانواده^۴، بر حمایت از کودکان توسط والدین، اولیای قانونی و دولت تأثیر بسزایی دارد. با وجود پیش‌بینی نهادهای حمایتی مانند حضانت، قیمومیت و وصایت، قانون مدنی^۵ تعریف شفافی از کودک ارائه نمی‌دهد (۳). در قوانین متفرقه ایران، مصادیق مختلفی از طفل تبیین شده است.

در اکثر دادگاه‌ها، شکایت افراد زیر ۱۸ سال به دلیل عدم رشد بودن پذیرفته نمی‌شود و این گروه امکان دخل و تصرف در اموال خود را ندارند (۴). آسیب‌پذیری کودکان از نظر معیار آسیب‌شناسی سن، جایگاه خاصی در علوم جنایی و سیاست جنایی^۶ افتراقی دارد. در حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، کودک به دلیل تفاوت‌های جسمی و روانی با بزرگسالان، در برابر بزهکاری^۷ و بزه‌دیدگی آسیب‌پذیرتر است. عدم قدرت جسمی کافی و دشواری اثبات ادعا، این گروه را در معرض خطر سوء استفاده و جرایم مختلف قرار می‌دهد. بنابراین، تناقضات و عدم شفافیت در قوانین مربوط به سن کودکی، چالش‌های متعددی را در زمینه حمایت از کودکان ایجاد می‌کند.

به دلیل تفاوت کودک و بزرگسال و بزهکاری آنها، این مساله با تصویب قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ برای نخستین بار در حقوق موضوعه ایران مجزا بودن کودکان و نوجوانان در حیطه و قلمرو حقوق جزا و قانون مطرح گردید. در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به تصویب رسید و با تصویب این قانون، مسیر تدوین و اجرای یک سیاست جنایی افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان بزهکار فراهم شد (۵). متأسفانه در سال ۱۳۵۸، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی به تصویب رسید و در این قانون، رسیدگی به کلیه جرایم به محاکم جزا محول گردید که به این ترتیب، دادگاه اطفال که پس از سال ۱۳۳۸ تأسیس شده بود، محل قانونی خود را از دست داد. تا اینکه در سال ۱۳۶۱، قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید و در این قانون، مفهوم کودک و حدود مسئولیت آن تعیین گشت؛ اطفال از مسئولیت کیفری معاف شدند. در سال ۱۳۷۳، پس از تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، با اختصاص برخی از شعب دادگاه‌های عمومی جهت رسیدگی به جرایم اطفال^۸، به‌موجب اختیارات پیش‌بینی شده برای رئیس قوه قضائیه و پیش‌بینی برخی مقررات دادرسی به آنها، این موضوع موردتوجه قرار گرفت. در سال ۱۳۷۸، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به تصویب رسید که فصل پنجم آن به ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال را اختصاص داد. توجه به این نکته ضروری است که سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری اطفال، به سمت گرایش‌های بین‌المللی برای مقابله با بزهکاری اطفال متمایل می‌شود. برای تدوین یک سیاست جنایی افتراقی در قبال بزهکاری اطفال، قوه قضائیه با همکاری یونیسف و اساتید دانشگاه‌ها، کمیسیونی را برای تدوین یک لایحه قضایی برای ایجاد دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل داد و حاصل کار این کمیسیون، تدوین لایحه‌ای حاوی پاره‌ای

از مقررات مربوط به حقوق کیفری ماهوی اطفال بود. این لایحه که از سوی این کمیسیون تدوین شده بود، تحت عنوان "لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان" از طریق دولت به مجلس تقدیم شد. این لایحه در سه دوره مجلس مورد تصویب قرار نگرفت تا اینکه در نهایت، بار دیگر به دلیل مطرح بودن لوایح قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در مجلس، لایحه فوق را کنار گذاشته و در نهایت، بخش ماهوی لایحه را در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ گنجانده که در سال ۱۳۹۴ به اجرائی درآمد.

بنابراین، در زمینه حمایت از اطفال قوانین متعددی تا کنون به تصویب رسیده و قانون سال ۸۱ در زمان خود گامی مثبت در جهت دفاع از حقوق اطفال و نوجوانان بود، متعاقب آن نیز آیین نامه سامان دهی کودکان کار و خیابان مصوب هیات وزیران در سال ۸۴ تا حدودی تکالیف و مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادها را در این موضوع تعیین کرده بود و کنوانسیون حقوق کودک نیز پس از تصویب در ایران در سالهای اخیر نقش موثری در دفاع از حقوق اطفال و کرامت آنان ایفا نمود، اما همه اینها در چند حوزه ایرادات جدی داشته اند که مهم‌ترین آنها ضعف در هماهنگی ساختاری، ضعف در ضمانت اجرایی، ضعف در مبانی نظری و تعاریف و بازدارنده نبودن مجازات‌های اعمی و همچنین کافی نبودن نقش قوه قضائیه از ابتدا تا کیفر دهی بوده که کلیه این ضعف‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تا حدودی رفع شده است.

الزامات قانونی و اخلاقی قوه قضائیه در حمایت از اطفال و نوجوانان

حمایت از اطفال و نوجوانان به دلیل کاهش سن روبروی مرتکبین جرایم و تأثیر کژروی طفل و نوجوان بر دوران بزرگسالی ایشان بسیار اهمیت دارد. اطفال و نوجوانان نیازمند بیشترین حمایت و مراقبت هستند، زیرا آمارهای بزهکاری نشان می‌دهد که رفتارهای غیرقانونی در سنین بلوغ ممکن است به مجرمیت در دوران بزرگسالی منجر شود، و این امر ممکن است ناشی از بزه‌دیدگی باشد. از این رو، اهمیت توجه به ابعاد مختلف بزهکاری، بزه‌دیدگی اطفال، و توجه به نیازها و تنوع حمایت‌ها امری بسیار حیاتی است.

قانون‌گذار با در نظر گرفتن این نکات، تکالیف خاصی را برای نهادهای مختلف مقرر کرده است. در این راستا، قوه قضائیه نیز در حوزه‌های پیشگیری و مقابله با جرایم علیه اطفال و نوجوانان اقدامات حمایتی متناسب با وضعیت‌های گوناگون را انجام می‌دهد. قبل از تصویب قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، جرایم علیه آنها در دادگاه‌های عمومی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. اما با تصویب ماده ۲۸ قانون جدید، دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به این جرایم تأسیس شدند. تفکیک بین دادگاه‌های تخصصی و اختصاصی نیز نقطه‌ای حائز اهمیت است. دادگاه‌های اختصاصی صلاحیت رسیدگی به جرایمی را دارند که در قانون مشخص شده‌اند، در حالی که دادگاه‌های تخصصی شعبی از

همچنین، برنامه‌های پیش گیرنده تلاش دارند تا نقش بزهکاران در فرایند عدالت کیفری را مورد بررسی قرار دهند. عدالت کیفری به‌عنوان یک مفهوم کلی نهادها و کارگزاری‌هایی را شامل می‌شود که در حفظ و حمایت از نظم و اجرای عدالت دخیل هستند. این نهادها شامل پلیس، مقام‌ها و مراجع پیگرد، دادگاه‌های کیفری، و نهادها و یا کارگزاری‌های اصلاحی و تربیتی می‌شوند (۸). اجرای عدالت کیفری نه تنها به کیفر رساندن بزهکار بر پایه دادرسی منصفانه^{۱۱} محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند به‌رسمیت شناختن حقوق بزهکاران و توجه به حقوق و نیازهای آنان در چارچوب رفتار عادلانه نیز است. این پاسخ‌ها به سه گروه پیشگیری قضایی، پیشگیری تقنینی و پیشگیری اجرایی تقسیم می‌شوند.

پیشگیری با معیارهای تفنینی: در زمینه حقوق کیفری و حمایت از کودکان، نقش قانون‌گذاری به دو صورت ماهوی و شکلی قابل‌بررسی است. کودکان در دستگاه عدالت کیفری به قوانینی نیاز دارند که در فرایند دادرسی و اجرای احکام کیفری حمایت از آنها را بهبود بخشد. همچنین، باید به شکل‌های ماهوی اقداماتی اندیشیده شود تا از کودکان در برابر بزه‌دیدگی حمایت کند. در این راستا، در ایران، پیشگیری از بزهکاری کودکان از طریق راه‌های تقنینی مختلف انجام می‌شود که به جرم‌انگاری حمایتی (شامل جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا)، کیفرگذاری حمایتی (اعمال کیفرهای مناسب به حال کودک) و سرانجام؛ پیش‌بینی سازوکار جبران آثار ناشی از بزه (نظیر جبران آثار مادی و معنوی) انجام می‌شوند. این سه زمینه، مثلث حمایت خاص کودکان در حقوق کیفری ماهوی را تشکیل می‌دهند (۹).

پیشگیری با معیارهای قضایی: پیشگیری قضایی^{۱۲} نهادهایی را شامل می‌شود که سیاست‌هایی اجرایی را تدوین کرده و اقداماتی را انجام می‌دهند تا از بزهکاری کودکان در مرحله اجرای حکم جلوگیری نمایند. در مرحله صدور حکم، قاضی پرونده موظف است نسبت به بزهکار، باتوجه به نوع جرم، کیفر مناسب را تعیین نماید. از این‌رو، پیش‌بینی نظام ضمانت اجراهای خاص در این زمینه حائز اهمیت است. حکمی که برای کودکان صادر می‌شود، باید در ابتدا بهترین منافع کودک را در بر گیرد و سپس با تأکید بر جلوگیری از صدمات، دوباره تعیین گردد. همچنین، با استفاده از سازوکارهای جبران آثار (شامل آثار مادی و معنوی) و نگهداری در مکانی که مصلحت کودک همراه باشد، حکم صادر گردد (۱۰). شکل‌گیری پرونده شخصیت در مرحله رسیدگی به دادگاه می‌تواند در نحوه صدور حکم تأثیرگذار باشد. اطلاعات جامع پرونده شخصیت کودک، شامل اطلاعات وضعیت فردی و اجتماعی کودک، در جهت رسیدگی به حریم خصوصی و بهبود منافع کودک استفاده می‌شود. همچنین، مشارکت کودک - در صورت لزوم - در انتخاب نوع حکم صادره موردتوجه قرار گیرد. در صورت صدور حکمی که به جداسازی کودک از خانواده و نگهداری او در نهادهای شبه‌خانواده یا خانواده‌های دیگر اشاره داشته باشد، باید تدابیر خاصی برای وضعیت کودک در نظر گرفته شود. در این راستا، اقداماتی باید پیش‌بینی شود که بهترین منافع کودک، حتی پس از جدایی او از خانواده، مدنظر قرار گیرد.

دادگاه‌های عمومی هستند که به جرایم خاصی رسیدگی می‌کنند. این دادگاه‌ها تخصصی بوده و به جرایم علیه اطفال و نوجوانان متمرکز هستند. تأسیس دادگاه‌های تخصصی نیز نقش مهمی در پیشگیری از جرم بازی می‌کند. این دادگاه‌ها تخصصی هستند و به جرایم علیه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌کنند. تشکیل دادگاه‌های تخصصی با همکاری نهادهای اجتماعی و دولتی مختلف نه تنها به پیشگیری از جرم کمک می‌کند؛ بلکه نقش مهمی در ایجاد هماهنگی و همکاری بین دستگاه‌ها و نهادها دارد. دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان نیز به‌عنوان یک نهاد میانی در هماهنگی اقدامات و همکاری بین دستگاه‌های مختلف موجود در جامعه نقش دارد. باتوجه به اینکه پیشگیری از جرم ماهیت مشارکتی دارد، همکاری گسترده و هماهنگی بین نهادها و اقدامات متعدد امری ضروری است. تعامل بین دولتی و غیردولتی، اجتماعی، و قضایی اگر همکاری مناسبی ایجاد کنند، می‌تواند به دستاوردهای مثبت در زمینه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان منجر گردد.

الف) پاسخ‌های پیشگیرانه و اجتماعی

در اجتماعات فعلی، بحث درباره جرم‌شناسی^۹ و تدابیر پیشگیری^{۱۰} از وقوع جرم در حوزه اطفال و نوجوانان به‌عنوان یک سیاست پیشگیرانه و اساسی بسیار مهم مطرح شده است (۵). در این راستا، مجازات به‌عنوان رکن اصلی در سیاست جنایی تلقی نمی‌شود؛ بلکه تأکید بر پیشگیری از وقوع جرم و اتخاذ تدابیر مناسب به‌عنوان یک سیاست گسترده در حوزه کنترل جامعه دارد (۵). باتوجه به مطالب مطرح شده، مشخص است که پیشگیری از جرم نه تنها به‌عنوان یک سیاست مؤثر مطرح شده است؛ بلکه مورد تأکید قرار گرفته که این سیاست به‌تمامی راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع جرم مرتبط است (۵).

در تحلیل این سیاست پیشگیرانه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (۶):

۱. پیشگیری بدون قهرآمیزی: این سیاست باید قهرآمیز یا سرکوبگر نباشد؛ بلکه باید به‌صورت هماهنگ و باهدف بازدارندگی از وقوع جرم اجرا شود.
۲. تأثیرگذار بر اندیشه مجرمانه: این سیاست باید به ریشه کنی بزهکاری اثر کند و به فرآیندگذار اندیشه مجرمانه به رفتار تأثیر بگذارد.
۳. پیشگیری مستقیم: این سیاست باید به طور مستقیم به پیشگیری اختصاص یابد و به کاهش وقوع جرم منجر شود.
۴. تأثیر بر فرد و محیط: این سیاست باید هم‌زمان در برگرنده فرد و محیط اطراف او باشد. به عبارت دیگر، پیشگیری باید هم‌زمان بر فرد و شرایط محیطی اطراف او تأثیرگذار باشد.

در کل، سیاست پیشگیری از جرم به‌عنوان یک سیاست مبتنی بر آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه افراد باهدف فهم هنجارها و ضد هنجارها، تلاش می‌کند تا از ریشه جلوگیری از وقوع جرم کند و در اصلاح و بهبود اندیشه و رفتارهای افراد تأثیرگذار باشد (۵).

هدف برنامه‌های پیش گیرنده در دو سطح فردی (اصلاح و درمان) و جمعی (بازدارندگی) تحدید یا کاهش احتمال بزهکاری قرار دارد (۷)

نظارت مستمر توسط افراد مشخص شده توسط دادگاه، شامل احکام جدایی موقت از خانواده، احکام جبران خسارت به کودک و احکام مرتبط با درمان او می‌شود (۱۱).

پیشگیری با معیارهای اجرایی: پیشگیری اجرایی^{۱۳} از بزهکاری اطفال به معنای اتخاذ سیاست‌ها و اقداماتی است که هنگام اجرای حکم، از بزهکاری کودکان جلوگیری نماید. این نوع پیشگیری نهادها و سازمان‌های مرتبط با اجرای حکم دادگاه و نهادها و سازمان‌های خدماتی و درمانی را در بر می‌گیرد که ممکن است کودکان به آن‌ها سپرده شوند. همچنین، برخورد مقامات و مسئولان این نهادها یا مراکز اجرایی درست و منطقی نیز در این حوزه مورد توجه است. کودکانی که به دلیل خشونت در خانواده مجبور به ترک آن می‌شوند و در مراکز دیگری نگهداری می‌شوند، نیازمند به رویکردهای صحیح و منطقی هستند. این افراد به‌عنوان دارای آسیب شخصیتی ممکن است نیازمند به روش‌های اصلاح و بازپروری باشند که آن‌ها را از خانواده جدا کند و همچنین از احتمال بزه‌دیدگی مجدد از سوی خانواده‌شان دورنگه دارد. اگر این رویکردها از سوی مقامات و مسئولان مراکز جایگزین اجرا شود، احتمال تکرار بزه‌دیدگی کودکان به شکل خطرناک‌تر کاهش یافته و از مشکلاتی مانند تخریب شخصیتی جلوگیری خواهد شد. ایجاد مراکز استاندارد برای نگهداری کودکان بزهکار و آموزش کارکنان در این زمینه نیز می‌تواند به کاهش مشکلات مادی، معنوی، روانی، عاطفی و جسمی کودکان بزهکار کمک کند. از جمله این نهادها می‌توان به مراکز ارائه خدمات پزشکی، روان‌پزشکی، مشاوره و روان‌شناسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی اشاره کرد. این مؤسسات باید تحت نظارت قرار گیرند تا هر گونه قصور در ارائه خدمات به این کودکان کاهش یابد و از نظرات مثبت مسئولان و نهادهای نظارتی پشتیبانی شوند (۱۱).

ب) الگوهای اخلاقی و روانشناختی پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران

چگونگی پاسخ به جرایم اطفال و نوجوانان باتوجه به موقعیت آسیب‌پذیر آن‌ها در اجتماع موضوع قابل تأمل و سیاست‌گذاری‌های مختلفی قرار داده شده است، به‌طوری‌که منجر به آشکارشدن گونه‌های مختلف پاسخ‌دهی به جرایم کودکان گردیده و قوه قضاییه در راستای پاسخ به این نوع جرایم روش‌های متفاوتی اتخاذ کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الگوی عدالت ترمیمی^{۱۴}: ظهور مفهوم عدالت ترمیمی حاصل تحول در اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جمعی حقوق‌دانان کیفری، جرم‌شناسان و مجریان نظام کیفری نسبت به عدالت کیفری با رویکرد جزا و سرکوب و عدالت کیفری با رویکرد بر اصلاح و تربیت است که در پیوند با مفاهیم اخلاقی، انسانی و فرهنگ و ارزش‌های جامعه مدنی، عدالت کیفری خلاق و پویایی را معرفی می‌کند. آنچه در این دیدگاه اهمیت خاصی دارد ترمیم خسارت‌های مادی، معنوی، و عاطفی وارد شده بر بزه‌دیده است. از طرف دیگر، این دیدگاه معتقد است حل‌وفصل

اختلاف‌های ناشی از ارتکاب بزه و آشتی بین طرف‌های ذی‌نفع نیز نه به‌وسیله حاکمیت و دولت، بلکه به‌وسیله جامعه محلی و با حضور فعال بزه‌دیده و بزهکار در چهارچوب میانجیگری، مذاکره، مصالحه، نشست و... که نوآوری‌های جدید عدالت ترمیمی هست باید صورت‌پذیرند. از نظر طرفداران این دیدگاه، طرف‌های عدالت ترمیمی عبارت‌اند از بزه‌دیده، بزهکار و جامعه محلی. الگوی عدالت ترمیمی ارتکاب بزه را نقض قوانین و مقررات رسمی و مخالف با دولت نمی‌داند، بلکه آن را به‌عنوان یک تعارض در روابط اشخاص قلمداد می‌کند (۱۲). این رویکرد در پی آن است که بزه‌دیده و بزهکار را به‌مثابه دو انسان صاحب کرامت پنداشته و ترس را از بزه‌دیده برطرف سازد تا مانع بزه‌دیدگی مجدد وی بشود (۱۳).

الگوی عدالت کیفری^{۱۵}: الگوی عدالت کیفری نقطه مقابل الگوی عدالت ترمیمی است. در راستای این الگو، نظام عدالت کیفری پس از وقوع جرم، از طریق مجازات‌ها که حداقل با رنج ناشی از بزهکاری مساوی است، به بزهکار پاسخ می‌دهد. هدف این پاسخ، جبران عدم تعادلی است که به‌واسطه ارتکاب جرم پدیدآمده و نقض قوانین را تصحیح کند (۱۴). (در انتقاد از الگوی عدالت کیفری یا به‌عبارت‌دیگر، رویکرد سزاگرایی در خصوص بزهکاری اطفال و نوجوانان، بیان می‌شود که؛ رویکرد سزاگرایی در تعیین تناسب میان جرم و مجازات، به سطح سرزنش‌پذیری رفتار و صدمه وارده تمرکز دارد و به گذشته نگاه می‌کند و تأثیر اجتماعی کیفر را نادیده می‌گیرد. این الگو به تأثیرات آینده و ملاحظه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری درباره کیفرها کمتر توجه دارد (۱۵).

الگوی عدالت تخمینی: الگوی عدالت تخمینی باهدف افزایش کارایی نظام عدالت کیفری، به کنترل جرم و مجرمان تأکید می‌کند و این الگو بر اهمیت پیشگیری خنثی‌کننده نسبت به سایر اهداف عدالت کیفری تأکید دارد. جبران خسارت به بزه‌دیده و سایر تعهدات بزهکار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این اقدامات منجر به کاهش میزان ارتکاب جرم و جلوگیری از تکرار آن می‌شوند. در این راستا، الگوی عدالت تخمینی جرم، جرم را به‌عنوان یک امر بهنجار در جامعه معرفی می‌کند و به رده‌بندی و مدیریت مجرمان بر اساس احتمال خطر و میزان تکرار جرمشان می‌پردازد (۱۶). این الگو بر مبنای ایدئولوژی "قانون و نظم" عمل می‌کند که بر افزایش کارایی و اثربخشی نظام عدالت کیفری از طریق اجرای سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه تأکید دارد (۱۶). عدالت تخمینی با تمرکز بر مدیریت پیشگیری کیفری از بزهکاری کودکان و نوجوانان، به مداخله زودرس برای مبارزه با علل بزهکاری می‌پردازد. این الگو در محدوده مداخله نظام عدالت کیفری، علاوه بر رفتارهای جنایی، رفتارهای نامطلوب و غیراجتماعی را نیز شامل می‌شود. بنابراین، از طریق مفهوم "خطر"، مدیریت آن (مدیریت خطر) دامنه مداخله نظام عدالت کیفری را به دوران رشد، مدیریت خانواده، و حضور در مدرسه و غیره گسترش می‌دهد (۱۶). الگوی عدالت تخمینی زمینه‌های کاهش سن مسئولیت کیفری یا تشدید پاسخ‌های کیفری به

برای برخورداری اطفال و نوجوانان از یک دادرسی عادلانه و مبتنی بر هنجارهای اخلاقی - اجتماعی و مبانی دینی می بایست اصول زیر مورد توجه قرار گیرد (۲۱ و ۲۲):

حضور بودن رأی: در رسیدگی به جرایم بزرگسالان، طبق قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشوند و لایحه دفاعیه نفرستاده باشند، در جرایمی که جنبه حق الهی ندارند، دادگاه رسیدگی نموده، و مبادرت به صدور رأی غیابی می کند. رأی غیابی ظرف مدت مقرر قابل واخواهی و تجدیدنظرخواهی است. ولی در رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان، علی رغم دسترسی به آنان، ممکن است منافع ایشان ایجاب کند که رسیدگی در تمامی یا بخشی از مراحل دادرسی در غیاب آنان انجام شود. در این صورت حکم صادره در پایان رسیدگی، حضوری محسوب می شود.

غیر علنی بودن تحقیقات و دادرسی: هرگاه در برابر رفتار معارض با قانون کودکان و نوجوانان، امکان تحقیق و رسیدگی غیررسمی و خارج از رسیدگی کیفری غیرمقدور باشد، فرایند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی باید به صورتی سازماندهی شود که حریم خصوصی اطفال رعایت گردد آشکار بودن مراتب کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی و افشای هویت کودکان و نوجوانان از طریق مطبوعات، یا حضور افراد، به شخصیت آنان خسارت جبران ناپذیر وارد کرده و موجب می شود اعتماد به نفس کودک از بین برود. طرح اتهام طفل یا نوجوان در کوچه و بازار و برچسب زنی جرم به او سبب می شود خود را در قالب مجرم تصور نماید. آنگاه در مسیر اصلاح و تربیتش مشکلات اساسی به وجود می آید.

حضور والدین و یا سرپرست قانونی یا وکیل در جلسه محاکمه: در زمان انجام تحقیقات و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، حضور والدین یا سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان و همچنین وکیل یا مشاور حقوقی از لحاظ حمایت روانی عاطفی و حقوقی ایشان دارای اهمیت زیادی است. بر اساس ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری در هنگام رسیدگی به جرائم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعام نماید که در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد نمود.

اصل تشکیل پرونده شخصیت اطفال و نوجوانان: شکل گیری پرونده شخصیت به دلیل دارا بودن وضعیت جسمانی و حالت روحی خاص و ضعیف و همچنین سن کم که معیارهای شخصیت زیستی و روانی کودک است نقش مهمی دارند. مقنن در قانون مجازات اسلامی و هم در قانون آیین دادرسی کیفری به این مهم توجه نموده است. از این رو در ماده ۳۰۲ این قانون جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان اجباری است.

کودکان و نوجوانان بزهکار را نیز فراهم کرده است. بنابراین، رویکرد عدالت تخمینی به دنبال تغییر بزهکاران نیست، بلکه می خواهد به طرق مختلف آن ها را مدیریت کند تا از ارتکاب جرم جلوگیری شود. همچنین، این الگو به سرعت بخشی به تعقیب بزهکاران، دادرسی کیفری و اجرای مجازات تأکید دارد. در نتیجه جرم شناسان از این شیوه به عنوان رویکردی مؤثر جهت کاهش جرایم یاد می کنند (۱۷)

الگوی بازپروری: الگوی بازپروری نسبت به دیگر الگوهای مطرح، به دنبال ارائه پاسخ های اصلاحی و درمانی برای باز اجتماعی شدن و بهبود فرایند رشد و تربیت اطفال بزهکاران است. این پاسخ ها با ماهیت بازپرورانه، به هدف بازگشت اطفال بزهکار به زندگی اجتماعی سالم، هنجارمندی، و پیشگیری از بازگشت به جرم متمایل هستند. این الگو باتوجه به باور در مؤثر بودن اندیشه بازپروری، به سنجش اثربخشی برنامه های اصلاحی و درمانی برای شناسایی عوامل مؤثر در این برنامه ها از یک سو و کشف عوامل خطر جرم از سوی دیگر، تأکید دارد و این تأکید به افزایش توجه به خطر جرم بزهکاران منجر می شود. این الگو به توجه به خطر جرم بزهکاران به عنوان یک لوازم واقع بینی مهم در بازپروری معتبر است. در این رویکرد، برنامه های بازپروری بر اساس رده بندی خطر جرم بزهکاران طراحی و اجرا می شوند. در این حالت، بازپروری به عنوان وسیله ای برای مدیریت خطر بزهکاران مطرح شده و به عنوان هدف اصلی در نظر گرفته نمی شود. اگر برنامه های بازپروری اثربخش نباشند، می توان از سایر تدابیر مدیریت خطر جرم، مثل توان گیری، استفاده کرد. این رویکرد امروزه در چارچوب رویکرد خطرمداری به کار گرفته می شود، نه رویکرد رفاهمداری. این نشان دهنده این است که ممکن است یک تفکیک یا دوگانه سازی در استفاده از تدابیر بازپرورانه صورت گیرد؛ به طوری که بزهکاران بسیار خطرناک اصلی تدابیر توانگیرانه را تجربه کنند و برای بقیه بزهکاران از تدابیر اصلاحی درمانی استفاده گردد. این نگرش نه تنها همه ویژگی های بازپروری گرای جدید را شامل نمی شود، بلکه به پیوند عمیقی بین خطر جرم و بازپروری توجه دارد (۱۸). این پیوند به معنای آن است که در بازپروری گرای جدید، هم زمان با درک خطر جرم بزهکاران، به عوامل اصلاحی درمانی، نیازهای آن ها، و میزان اثربخشی برنامه های بازپرورانه نیز توجه شده است. به هر حال، این امر علاوه بر نتایجی که از لحاظ تربیت مجدد اطفال به دست می آید (۱۹) الگوی بازپروری به عنوان یکی از الگوهای اصلاح و درمان، نسبت به سایر الگوها تأکید بیشتری بر پاسخ های اصلاحی و درمانی دارد. هدف این الگو از بازپروری، فرایند باز اجتماعی سازی اطفال بزهکار و بهبود فرایند رشد و تربیت آنان است. این دسته از پاسخ ها، با تمرکز بر ماهیت بازپرورانه، به دنبال بازگرداندن اطفال بزهکار به زندگی سالم اجتماعی، هنجارمندی و جلوگیری از بازگشت به بزهکاری هستند.

ج) الزامات حاکم بر مرحله دادرسی عادلانه اطفال و نوجوانان

حق برخورداری از محاکمه ظرف مدت معقول: نظام عدالت کیفری ایران از اطلاع دادرسی محفوظ نیست و نمی‌توان وجود عوامل اطلاع ساز در مراحل مختلف تحقیقات مقدماتی، محاکمه و نیز اجرای احکام آن را انکار کرد. برخی از دلایلی که موجب اطلاع دادرسی می‌شوند عبارت‌اند از وجود قوانین و رویه‌های مجهول و پیچیده، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، اثرپذیری جریان رسیدگی از یک امر سیاسی یا اجتماعی و عدم مسئولیت برخی از قضات (۲۰). با این وجود، در قوانین و مقررات داخلی موادی یافت می‌شوند که بر ضرورت رسیدگی در زمان متعارف اشاره دارند. برای نمونه در حوزه کودکان و نوجوانان، ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند. همچنین، دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعام کند و در نهایت دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با عنایت به محتویات پرونده و ادله موجود، در اولین فرصت رای صادر کند. بنابراین رسیدگی در مدت متعارف از شاخص‌های مهم دادرسی منصفانه است. رعایت چنین اصلی در عمل منجر به حفظ کرامت انسانی متهم، احساس امنیت قضایی و روشن شدن تکلیف وی، احساس عدالت، کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری، رضایتمندی افکار عمومی از عملکرد این دستگاه و افزایش اطمینان عمومی نسبت به مراجع قضایی خواهد شد.

د) مسائل ماهوی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

مقام قضایی باید در دادرسی اطفال شرایطی را رعایت کند که از مهم‌ترین آن منع مجازات حبس، ممنوعیت مجازات‌های بدنی و الزام مقام قضایی به اتخاذ تصمیمات اصلاحی و تربیتی است.

منع استفاده از حبس: در کشورهای مختلف طی چندین سال گذشته جایگزین‌های مجازات حبس، مجازات‌های اجتماعی و یا به دگر سخن مجازات‌های غیر سالب آزادی به‌خصوص در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار به گونه‌های متفاوتی ظهور کرده است. در حقوق ایران از جمله ضمانت اجرای اجرائیه که به‌عنوان جایگزین حبس در آرای دادگاه‌ها به‌کاررفته می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

انجام کار و خدمات رایگان در کانون اصلاح و تربیت و یا هر مکانی که کانون صلاح بداند.

حبس خانگی به مدت چند ماه در منزل با نظارت کانون اصلاح و تربیت فراگیری حرفه معین

ممنوعیت مجازات‌های بدنی: در عرصه سیاست جنایی ایران برای نخستین بار از رهگذر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ از واکنش‌های سزاده برای پاسخ‌دهی به این دسته از بزهکاران استفاده گردید. مطابق ماده ۳۵ این قانون اطفال ممیز بالغ که به سن پانزده سال تمام نرسیده بودند، مرتکب جنحه یا جانی می‌شوند تنها به ده الی پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شدند. این سیاست قانون‌گذار ایران بعدها به‌موجب

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ با تأثیر پذیری از آموزه‌های علمی حذف شد. با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تدوین نظام ضمانت اجرای جداگانه برای کودکان و نوجوانان بزهکار به نظر می‌رسد صرفاً امکان به‌کارگیری از کیفرهای بدنی در خصوص بالغان کمتر از هجده سال مرتکب جرم‌های حد و یا قصاص پذیر، وجود دارد. زیرا، به موج ب ماده ۹۱ این قانون در صورت ارتکاب جرم‌های مذکور از سوی این دسته و وجود رشد کیفری باید همان کیفرهای پیش‌بینی شده برای جرم‌های مستوجب حد و قصاص را به اجرا در آورد (۲۳).

الزام به اتخاذ تصمیمات اصلاحی و تربیتی: علی‌رغم این که مطابق قوانین کیفری، اطفال از مسئولیت کیفری معاف هستند ولیکن برای جلوگیری از بزهکاری دوباره آنها و حمایت از جامعه در برابر زیان جرائم این افراد، بایستی تدابیری در جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار به عمل آید. هدف پاسخ‌های اصلاحی و تربیتی، اصلاح اخلاقی از طریق آموزش در مراکز ویژه اصلاح و تربیت هست. این رویکرد از جمله سستی‌ترین رویکردهایی هست که در زمینه پاسخ به بزهکاری اطفال وجود داشته است (۲۴). مقنن در قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ خورشیدی با اولویت دادن به امر اصلاح و تربیت اطفال، و باهدف بهبودی حسن اخلاق طفل تدابیر اعزام به کانون اصلاح و تربیت را هم برای گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال و هم برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال وضع نموده است. مطابق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی جدید دادگاه در مورد اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنان در زمان ارتکاب نه تا پانزده سال تمام شمسی است یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان شامل معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، سپردن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به‌منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت‌نظر پزشک، جلوگیری از ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه، جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین.

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند.

پ- نصیحت به‌وسیله قاضی دادگاه.

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج.

نتیجه‌گیری

مقنن با عنایت به منابع و حقوق اطفال و نوجوانان و پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی بخصوص کنوانسیون حقوق کودک و باهدف

قوه قضاییه با برنامه ریزی، سیاست گذاری و اجرای وظایف قانونی جدید می‌تواند رویکردی مؤثر در حمایت از اطفال و نوجوانان در هر دو حوزه پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی اتخاذ کند. از طرفی، تقسیم وظایف مذکور در قانون جدید بین بخش‌ها و نهادهای مختلف قوه قضاییه، باعث اجرای درست‌تر و تخصصی‌تر هر یک از آنها مطابق با خصوصیات حاکم بر ابعاد مختلف سیاست جنایی خواهد شد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1- Legal system	نظام حقوقی
2- Criminal liability	مسئولیت کیفری
3- Convention on the Rights of the Child	کنوانسیون حقوق کودک
4- Family rights	حقوق خانواده
5- Civil law	قانون مدنی
6- Criminal policy	سیاست جنایی
7- Crime	بزهکاری
8- Juvenile crimes	جرایم اطفال
9- Criminology	جرم شناسی
10-Prevention	پیشگیری
11-Fair trial	دادرسی منصفانه
12-Judicial prevention	پیشگیری قضایی
13-Executive prevention	پیشگیری اجرایی
14-Restorative justice	عدالت ترمیمی
15-Criminal Justice	عدالت کیفری

حمایت از این منافع به تأسیس مراجع خاص و مستقل و نیز وضع نمودن شرایط ویژه برای مقامات قضایی در جهت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و بسیاری از شرایط و امکانات دیگر که در راستای حقوق و منافع این قشر صدمه پذیر است گام مهمی در جهت رعایت مصالح کودکان برداشته شده و تاحدامکان به رفع نواقص و ایرادات در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار که در قوانین سابق، موجود هست پرداخته است. از جمع‌بندی مراتب معروضه چنین برداشت نمود که سیاست مسئولین امر بخصوص قوه قضاییه در سمت‌وسوی توجه و عنایت به منافع و مصالح کودکان و نوجوانان حرکت پویا دارد و ستودنی است.

در زمینه حقوق کیفری اطفال و مسائل ماهوی مرتبط به آن، مسئله مسئولیت کیفری و تنوع‌بخشی پاسخ‌های در نظر گرفته شده برای بزهکاری اطفال موردتوجه قرار گرفته است. در این حوزه باتوجه‌به ارتباط آن با مقررات شرعی، تدوین‌کنندگان قانون از تغییر در معیارهای شرعی مربوط به مسئولیت تجدیدنظر نکرده؛ ولی تلاش نموده‌اند که از طریق دسته‌بندی سنی اطفال و تناسب تدابیر با شرایط سنی آنان، از تبعات منفی پایین‌بودن سن مسئولیت کیفری در ایران پیشگیری کنند. در قسمت دادرسی اطفال نیز تلاش شده است با در نظر گرفتن مقررات بین‌المللی در این مورد، تجربه سایر کشورها و نیز گرایش‌های موجود در زمینه دادرسی اطفال و نوجوانان، زمینه تدوین یک دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ایران فراهم آید. با به‌کارگیری اندیشه‌های ترمیمی در مقررات این قانون سعی شده است که از تمسک بی‌رویه به مجازات حبس در کانون اصلاح و تربیت جلوگیری شود؛ هر چند که نگهداری یا حبس در کانون اصلاح و تربیت پاسخی تربیتی است، اما همین محیط بسته کانون، زمینه را برای برخی آسیب‌های احتمالی به اطفال و نوجوانان فراهم می‌آورد. حال آنکه در رویکرد ترمیمی پاسخ‌های آموزشی و تربیتی در بستر اجتماع به اجرا در می‌آیند.

References

- Gerhard F. Laws between nations, an introduction to general international law. Translated by Hafezian M. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. 2000. (In Persian).
- Barahani M. Psychology dictionary. 1st ed. Tehran: Moaser Publication. 1994.
- Zeinali A. Legal and criminological aspects of protecting children and adolescents at risk. 1st ed. Tehran: Publications of the Official Newspaper of the Islamic Republic of Iran. 2009. (In Persian).
- Shamloo B. Juvenile criminal justice. 1st ed. Tehran: Jangal Publication. 2011. (In Persian).
- Jamshidi A, Mozaffari A. The criminal policy against children and juvenile delinquents in the judiciary of the Islamic Republic of Iran. Judgment, 2018; 18(93): 41-62.
- Neygizadeh B, Moazenadegan H, Kooshki G H. Exercising differential criminal procedure to legal persons In the preparatory phase of research: fundamentals and effects. Journal of Criminal Law Research, 2020; 8(29): 43-68. doi: <https://doi.org/10.22054/jclr.2018.24896.1484>
- Rayejian M. Supportive criminology. 1st ed. Tehran: Dadgostar Publication. 2005. (In Persian).
- Ashouri M, Azimzadeh S. Position of personality profile in the process of prevention of stabilization of criminality in juveniles. Law Quarterly, 2013; 43(1): 195-213. doi: [10.22059/jlq.2013.35287](https://doi.org/10.22059/jlq.2013.35287)
- Heidari E. Effective components in assessing the principle of reasonable time in criminal proceedings: with a view to the case law of European Court of Human Rights. Comparative Studies on Islamic and Western Law, 2021; 8(4): 149-182. doi: <https://doi.org/10.22091/csiw.2021.6561.2007>
- Adabi Charmi A, Sohrabi H. Iran's criminal policy in non-criminal prevention of child and adolescent victimization. Mashhad: The 1st National Conference on the Globalization of Children and Adolescents' Rights from a Legal and Psychological Point of View. 2018. (In Persian).

11. Moazen Zadegan HA. Evolution of criminal laws protecting children and adolescents in Iranian law. The Judiciary Law Journal, 2008; 72(62-63): 15-40. doi: <https://doi.org/10.22106/ilj.2008.11279>
12. Ghami H. Family group meetings. 1st ed. Tehran: Majd Publication. 2007. (In Persian).
13. Taslimi M. Analysis of policy making and decision making process. 1st ed. Tehran: Samt Publication. 2007. (In Persian).
14. Najafi Abrandabadi AH, Preface in: History of penal ideas. 2nd ed. Tehran: Samt Publication. 2017. (In Persian).
15. Ghorchi Beygi M, Shahrani M. Sentencing to rehabilitative punishments on juvenile delinquency after the ratification of Islamic penal code 2013. The Judiciary Law Journal, 2018; 82(102): 161-189. doi: <https://doi.org/10.22106/ilj.2018.32737>
16. Gholami H. Patterns or types of juvenile criminal justice. Criminal Law Doctrines, 2013; 10(6): 89-106. (In Persian).
17. Bekaria S. Treatise on crimes and punishments. Translated by Ardabili M. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. 2006. (In Persian).
18. Rajabi F, Mehra N. Responding to the delinquency of children and adolescents: estimated or restorative. Private and Criminal Law Research, 2017; 13(2): 85-121. (In Persian).
19. Madih A, Rahmat M R, Arzhang A. Favorable social and moral consequences of organized crime management in society. Int. J. Ethics Soc 2023; 5 (2) : 9-17. Doi: [10.22034/5.2.13](https://doi.org/10.22034/5.2.13)
20. Sanei P. Rights and society: the relationship between rights and social and psychological factors. 1st ed. Tehran: Tarhe No. 2002. (In Persian).
21. Jahani Mijani V, Seraji M, Farrokhi M. Ethics in the legal system: a fair trial in registered quasi-judicial bodies. Ethics in Science and Technology 2022; 17 :16-23. (In Persian).
22. Karbas Foroush G, Varvaei A, Tavasolizadeh T. Victims' law seen from the perspective of fair trial and ethics in the criminal procedure code of 2013 and the international criminal court statute. Ethics in Science and Technology 2020; 15 (3) :20-25. Dor: [20.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4)
23. Hedayat H, Hedayat H. The position of the prosecutor's office and the special duties of the prosecutor in supporting the victimized and at-risk children according to the criminal procedure law of 2012. Mashhad: 1st National Conference on the Globalization of Children and Adolescents' Rights from a Legal and Psychological Point of View. 2018. (In Persian).
24. Atashi E. Reasonable deadline in the criminal process. [M.A thesis]. Tehran: Tarbiat Modarres. 2013. (In Persian).